

ابلاغیه

هیت اجرائیه تشکیلات موقت انسجام اعضای حزب وطن در خارج

مورخ: اپریل ۲۰۱۲

در تداوم تاریخی مداخلات خارجی در کشور ما، بخصوص در بستر جنگ سرد و همین اکنون نیز که این مداخلات تحت پوشش مبارزه علیه تروریسم بین المللی ادامه دارد، تجارب مؤید آن اند که قدرت های جهانی از طریق نفوذ در ساختارهای سیاسی، نظامی و استخباراتی افغانستان، بعضاً با حضور مستقیم سیاسی-نظامی و چه بسا با استفاده از تمایلات سلطه جویانه کشورهای همسایه، بخصوص پاکستان و ایران-افزار این مداخلات را تدارک نموده، مورد استفاده قرار داده اند. بعد از ختم جنگ سرد و فرپاشی اتحاد شوروی، ایالات متحده امریکا که خود را بمثابه ابر قدرت پیروز درین معرکه می پنداشت، تعریف منافع اش را در عرصه جهانی گسترش داده و بر مبنای آن، دستیابی به اهداف جدیدی را در آسیای مرکزی و جنوب آسیا مطرح و بنا بر اهمیت این اهداف، تمایلات مبتنی بر حضور مستقیم سیاسی و نظامی اش را-با نفی پاکستان از موضع افزار و واسطه نفوذ خویش-در جغرافیای با اهمیت استراتژیک افغانستان (این قلب به بحران کشیده شده آسیا)، تبارز داد. با درک همین تمایلات بود که حلقه های حاکم بر پاکستان با نگرش عمق انحصاری استراتژیک کشور شان بسوی افغانستان، در برابر این تمایلات عکس العمل نشان داده و به استخبارات نظامی آن کشور (آی. اس. آی) وظیفه سپردند تا به مثابه اقدام بدیل و فکتور تهدید، به تدریج و متناسب به تشدید و تعمیل تمایلات متذکره ایالات متحده امریکا، روابط و همکاری خویش را با استخبارات اتحاد شوروی (کا. جی. بی) آغاز نماید. این همکاری ها بعداً با سازمان استخبارات جانشین آن (اداره استخبارات فدراتیف روسیه) گسترش یافت.

همکاری های دو سازمان جهنمی ضد افغانی فوق، در ضدیت با پلان پنج فقره بی سرمنشی سازمان ملل مؤرخ 31 ثور 1370 (21 مارچ 1991) -که افغانستان را از دایره نفوذ انحصاری اتحاد شوروی آن وقت و به نفع تامین روابط متوازن این کشور با قدرت های جهانی، بیرون می کشید-آغاز و در بستر اقدامات بمنظور تضعیف دولت جمهوری افغانستان در همدستی با شریک سوم (اداره اطلاعات ایران) ادامه یافت. همکاری های سازمان یافته شرکای متذکره، جهت سبوتاژ و ناکامی پلان صلح ملل متحد، با سفر هیئت مجاهدین به مسکو تحت ریاست برهان الدین ربانی مؤرخ 24.20 عقرب 1370 (11.15 نوامبر 1991) و توافق «طرفین» به لزوم انتقال تمام صلاحیت های دولتی... در افغانستان به حکومت انتقالی اسلامی-ماده دوم اعلامیه مشترک»، تکامل نموده و با تحریک بغاوت شمال و شکل گیری ائتلاف متشکل از جمعیت اسلامی، حزب وحدت اسلامی و نیروهای ستون پنجمی وابسته به استخبارات اتحاد شوروی، پاکستان و ایران در درون دولت جمهوری افغانستان و حزب وطن، سقوط نظامی دولت جمهوری افغانستان به وسیله آنان و انتقال قدرت به حکومت ساخته شده در پاکستان، به اوج خویش رسید.

وجود و همکاری مشترک قنصل آن وقت شوروی در مزار شریف (میخائیلوف)، همچنان جنرال کا. گی. بی بنام حارث شاه با گماشته آی. اس. آی پاکستان (آزاد بیک) و نجفی افسر عالی رتبه سازمان استخبارات جمهوری اسلامی ایران در ولایات شمال افغانستان و سازماندهی عملیات مشترک با حضور آنان و بوسیله گماشتگان افغانی شان در سقوط شهر مزار شریف و مراکز سایر ولایات شمال افغانستان و سرانجام در کودتای 26 حمل 1371، در بستر همین همکاری ها تحقق یافت.

بعد از ناکامی پلان پنج فقره بی سرمنشی سازمان ملل، سقوط حاکمیت جمهوری افغانستان، تعمیل توطئه فروپاشی حزب وطن و انتقال قدرت به حکومت ساخت پاکستان است که رقابت پاکستان، ایران و روسیه فدراتیف بمنظور دستیابی به حداکثر منافع شان آغاز و جنگ قدرت بوسیله و در میان گماشتگان افغانی شان ادامه می یابد که در نتیجه باعث بکارگیری و استیلای سیاه اندیشه ترین و سیاهکارترین لشکر پاکستانی (طالبان) بوسیله آی. اس. آی آن کشور، با تمویل مالی القاعده گردیده که در انکشاف وضعیت، افغانستان به مرکز سازماندهی غیر قابل کنترل جهت عملیات ترورستی در عرصه جهانی مبدل گردید و برخلاف خواست

پاکستان، ایران و فدراتیف روسیه، بهانه برای حضور ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو پیمان نظامی «ناتو» را در افغانستان تدارک و انکشافات کنونی را باعث گردید.

یک مرور کوتاه بر وقایع بیست سال گذشته و نقش نیروها، حلقات و افراد مشخص و معلوم متذکره درین وقایع، این حقیقت مسلم را با وضاحت تمام تأیید مینمایند که مجموع گرایشهای و مواضع مؤقتی، نوسانی و غیر عادی این گماشتگان، مبتنی بر مخاصمتها، ائتلافها و اتحادهای ذات الیبنی شان، یا هم سکوت و وارد عرصه فعالیت گردیدن آنان نه طبیعی و نه ناشی از ماهیت و ضرورت های درونی وضعیت خودی آنان و به نفع کشور، بلکه بنا بر بر منافع تمویل کنندگان متذکره و بر اساس وظایف تفویض شده از جانب آنان صورت گرفته و صورت می گیرد.

مبارزه علیه حزب وطن، اندیشه های سیاسی این حزب و نقش اندیشه بی و سیاسی ماندگار تاریخی رهبر و بنیان گذار این حزب (شهید سرافراز وطن دو کتور نجیب الله) یکی از وظایف تفویض شده فوق به این نیروها، حلقات و افراد گماشته شده در جریان همین بیست سال گذشته است. فروپاشی حزب وطن با تعمیم توطئه ذو جوانب و استفاده از ستون پنجمی های درون این حزب در تحقق آن، راه اندازی ترور شخصیت های طراز اول مؤثر این حزب، جلوگیری از انتقال پذیرفته شده رهبر حزب به هند و ستان بوسیله سازمان ملل در حمل 1371 و تحمیل پناهگزیینی ایشان در دفتر سازمان ملل در کابل، حمله بر حریم دفتر مذکور و شهادت رهبر حزب، دو کتور نجیب الله و برادرش جنرال احمدزی در میزان 1376، تبلیغات سازمان نیافته دروغین بمنظور مسخ واقعیت های بوقوع پیوسته تاریخی، تعمیم تجزیه حزب وطن به پارچه های کوچک در پروسه ضرورت همگرایی و انسجام دوباره اعضا و حضور مجدد این حزب بمشابه یک نیروی تأثیر گذار بر وضعیت سیاسی کشور و دامن زدن نفاق و تحریک تبلیغات خصمانه علیه همدیگر، نمونه های بارز عملکرد مؤظفین مذکور، در ضدیت با حزب وطن، طی بیست سال گذشته اند.

اکنون که در تداوم تلاش های پیگیر اعضای حزب وطن در پروسه انسجام مجدد و در وضعیت مساعد کنونی، ضرورت حضور مجدد و فعال حزب وطن در وضعیت سیاسی کشور با تدویر مجمع عالی مشروع این حزب، در دستور روز ساختار های سیاسی منسوب به حزب وطن قرار دارد و کمسیون عالی تدارک و تدویر مجمع عالی حزب وطن بمشابه عالیترین ارگان مشروع با صلاحیت، همه اعضای حزب وطن را به شرکت فعال درین پروسه دعوت نموده و این دعوت همگرایی و وسیع اعضای حزب وطن را بخصوص در داخل کشور باعث گردیده است، دیده شد که مراکز شیطان ضد افغانی به هراس افتیده و توأم با این هراس، افزار زنگ زده شان را بعد از سکوت طولانی دستوری، یک بار دیگر وارد عرصه تبلیغات سازمان نیافته همزمان و یک زبان نموده، تا هزیانگویی های گذشته را به نحو دیگر و زبان های دیگر تکرار نمایند و بدین طریق موج دیگر از جنگ تبلیغاتی را در میان طیف های متعدد اعضای دیروزی حزب وطن، این نیروی سیاسی بی بدیل بالقوه، آگاه، مؤمن، ترقیخواه و وطنپرست کشور، تحریک نمایند و فضای ایجاد شده شور و شوق برای تدویر مجمع عالی حزب را مختل و یأس و ناامیدی مجدد را بر روح و روان آنان مسلط سازند.

تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن - بمشابه یکی از ساختار های فعال در پروسه تدارک و تدویر مجمع عالی حزب وطن که همیشه مورد کین و خصومت دشمنان حزب محبوب ما قرار داشته و مبارزه بی هراس، با افتخار و مؤثر تدافعی را در مواقع ضروری و بمنظور افشای ماهیت ضد افغانی این دشمنان مادر وطن ما و گماشتگان افغانی شان، پیش برده و پیش می برد - اینک با درک نیات خصمانه سازمان دهندگان و مجریان موج کنونی تبلیغات و بنا بر رسالت و مسوولیت تاریخی خویش در قبال تدارک و تدویر مجمع عالی حزب، تمام اعضای دیروزی و کنونی حزب وطن را بمشابه اعضای خانواده واحد روشنفکران متعهد و وطنپرست کشور به حفظ هوشیاری، احتراز از تحریکات متقابل، تبارز گرایش به تفاهم، همگرایی و اتحاد و تجرید هرچه بیشتر افراد و حلقات نامبرده، دعوت مینماید، تا این همگرایی، سیلی محکمی باشد بر روی تمام مراکز منطقی و فرامنطقوی ضد افغانی، بخصوص اداره اطلاعات رژیم آخوندی ایران که این موج تبلیغاتی را سازمان داده است.

اوضاع عینی مؤید آنست که:

- حقایق بوقوع پیوسته تاریخی و نقش شهید دو کتور نجیب الله در پروسه آن، اینک این شهید سرافراز وطن را به استوره فناپذیر ملی در تاریخ کشور عزیز ما مبدل نموده است.

- اندیشه سیاسی حزب وطن (اندیشه سیاسی مصالحه ملی) اینک نه تنها به افزار اندیشه بی برای رفع معضلات افغانستان قبول گردیده، بلکه به اندیشه سیاسی جهانی گذار از جنگ به صلح، برای رفع بحران کشورهای جنگ زده نیز مبدل گردیده است.

- علی الرغم تمام توطئه ها، کارشکنی ها و تعلل ها، حزب وطن بعد از مبارزه بیست ساله پراز فراز نشیب اعضای آن، یک بار دیگر امکان بدست آورده تا با تدویر مجمع عالی و حضور مجدد خویش به نیروی تأثیر گذار بر وضعیت سیاسی کشور مبدل گردد.

هیچ نیرویی ضد افغانی نمیتواند واقعیت های فوق را مسخ و عینیت آنان را سبوتاژ نمایند. کاروان رزم ما توأم با بلوغ، آگاهی و هوشیاری سیاسی، همراه با مردم مان و به هدف خوشبختی آنان، بی اعتنا به صدا های کریح بر خاسته از جاسوسخانه های خارجی، طی منزل مینماید.

هیئت اجرائیه تشکیلات موقت
انسجام اعضای حزب وطن در خارج